

نحوه و فکر چاره باشید

پیم دخول بکروب مودی در وجود کاینه سالم

نصرة الدولة میخواهد و نیز داخله بشمول

مسموم خواهد شد

باید متشکرب بود که رئیس دولت تا دیروز همواره دوسته آن کاه را پس زده و هنوز حاضر نشده است که با آن کاه باید برز و هرباشنا نماید ولی این وظیفه ما و همه آزادیخواهان بلکه عموم مردم است که همه باهم هم دست گردیده هجوم نموده آن کاه را از دست دسته طرفداران نصرت الدولة متفکرانه بر زمین زده و با پای زمین خورده آن کاه را بر زمین بنهائیم اگر نکنیم چه خواهد شد ؟ چیزی طول نمی کشد که نصرت الدولة را در وزارت داخله خواهید دید با دست نادرستی حکم ما مورث تمام نادرست هارا برای حکومت تمام

چند روز است که کاه بر از زهری را و کلاهی طرفدار نصرت الدولة بدست گرفته و تا نزدیک اب مستوفی المالك برده باو باصرار تعارف میکنند که از آن کاه بیاشامد زهر آن کاه عبارت است از خواستن مقام وزارت داخله برای نصرت الدولة است ... حفظ کد ؟ فردا است که اگر آن کاه زهر را رئیس دولت حاضر بیاشامد يك سرایه اول تمام موجودیت هوار نور و نزدیک وزارت داخله مسموم و سپس تمامات هیئت دولت و در نتیجه تمام دوائر دوائی زهر آلود گردیده و باطبیعه سر تا سر مملکت

صفحه ۱۳

بعد از این باید همانند هیچکس مردی

هرکسی از هر خود زنداست و دارد زندگی

چون تمام بدن جا می رسد شت زدنست با دست اشاره به سفت سینه نموده و کاه را در آواسته با پیک ایران زمین به جرافها و در لنگ از سفت اثاث می آید و روان زندگیت با دست با اشاره نموده و بکلام خود ادامه میدهد

در همین کم واره خفته نطفه آیدگان

نطفه این مردگانی را که پنی زندگان

از همین کم واره تا چند دگر فرزندان

سر بر آرد سر بر ایران از ایشان سر باند

بعد از این اقبال ایران را دگر آسوس نیست

لگه در سر نوشت کشور سیروس نیست

من ابراهیم ایران یاف غالب شدم

حافظ ایران بود بزادش و من غالب شدم

شت زدنست در پشت همان دیوار که تجلی کوه غالب میشود در سرتبه دیوار بجای خود بر می گردد و خلاصین هم پس از مدتی حیرت و شفت در دیوارها بچشم خود و آنها پیدا شده بودند رفته بحالت اول خود باز گشته بودند تا به بدمشوند و خبر دشت ممت آمده آهسته آهسته در قبر خود جای میگیرد در این بین همواره شتی از خواب بر خواسته با یک و حشت و تعجب مملی این ایات را بخواند

نقط دور و نزدیک این مملکت مضاف

میکنند

غریب بلای است ؟

عجب این دست شکسته بال

گردن بکمر نجیب این جامه بدبخت دیده

خیلی عجب است که با دست

شکسته هم نامسار از پادر در نیاید

دست از سرما نخواهد کشید

و عجب ترین است که با ابراجان

بد آفت ندارد یعنی در ابله زمامداری

قوم السلطنه این خیال مدخل

دو کاه ایشان چنان است

بعد از قرن که از ادبخواهان موفی

بتکثیر يك کاینه سالم و صالحی گردیدند

ایشان به این خیال افتادند

خانواده فرمانفرما عجب آفت

بزرگی برای ایران شدند

از افسانه کوه های قدیمی شنیدیم که

دایمی اژدهائی در کنار شهر می مسکن

میکرفت اهالی آن شهر از ترس بنام باج

همه روزه يك نفر بدبخت را به نزدیک

او برده وار آن بیچاره را می بایید

و با همین صدقه اهل شهر از هجوم تعدی

آن اژدها ها ایمن بودند در این

هیچده ساله عبر مشروطیت دولت

ایران برای جلوگیری از آزار فرمانفرما

همین رویه را پیش گرفته بود یعنی

بان کرک پرده هاله حکومت گرمانشاه

و یا ایالت فارس یا اجازه چاقول بر جرد

و غیره را میدادند که بوسیله این صدقه

از شر این اژدهای اجنای ایمن باشند

مقتضای این اژدها چندین انی

وجود آورده نصرت الدولة - سالار

لشکر - محمدولی میرزا - و ... دولت

ایران این چند اژدها را چگونه راضی نماید

از همین قرار باید بدبختی مات ایران

را که این چند انی را در سینه جا

داده مقابله نمود

من گاهی که نابونی را در معابر

می بینم در قالب خود میگویم خدایا

آیا يك روز مایشود وثوق الدولة

دعای از اقای قوام السلطنه

مؤمن السلطنه قنول بغداد در کاینه شما بطرف بغداد حرکت کرد البته منصوب شدن ایشان رسمیت داشته در صورت رسمیت تکرار رسمی بودن مشارالیه را توسط سرپرست کاکی یا ملک فیدل مغایره نموده آید ؟ در هر صورت البته بجهت رفع شبهه جواب خواهد داد چون يك زمزمه ها می در اطراف این قضیه و تصدیق حمایت انگلیس در بین انورین نیست شما هست که ناچاریم حقیقت را بگوئیم و بفهمانیم به ایرانیها که اکثر جنایات شخص شما در بین انورین چه نتیجه داده و چگونه مقامی را حاکم ایرانیها در بین انورین حاضر بودند امروز فاقد آن شده اند و مدال کلیم که سبب شخص جناب عالی بوده آید

بموجب کاغذهای که از بین انورین رسیده و شرحی از نفوذ مرها از ایرانیها و بدگفتن به دولت ایران و ایرانیهای همواره و به شخصی شما خصوصا در اشعار البته خواهیم نکاشت

(سپید حسن شیخ نجفی...)

...

اقای افسد حسن از این آفتابی که شما سؤال فرموده آید مطمئن باشید جناب ایشان چون پول دارند و پول خرج میکنند و پارسی دارند ذغال را سفید و مانند راسپاه معرفی خواهند کرد ...

در جواب حضرت عالی هم اعلایای مفسلی در جرائد منتشر خواهند نمود و شما باشنا کار می خواهند کرد که با ایشان در موضوع این جناب مهم ابرادی وارد نشود و سر پرست کاکی و دولت بیوفا اونیز از او راضی بهمانند قرن بیستم

شود يك سر بیه روی آن خواهد جست آن روز است که آبادی و هم چانه های فرمانفرما هر يك ولایتی مشغول حکومت و تعدی و انتخاب کاه ایسه های این خانواده مودی برای کرسی های مجلس ششم خواهند بود

نصرت الدولة تمام دسائس و محکم کارهای خود را در این چند روز اخیر بعمل آورده است خطر تا نزدیکی درب وزارت داخله رسیده است

بدبختی تا آستانه خامان این ملت پریشان قدم گذارده

اینها همه را کفتم اینهم نکته نگذارم نصرت الدولة هر چه انتریک بکند و کارگان او هر چه زحمت بکشند محال است بکند و او در کاینه مستوفی الممالك وزیر داخله باشد

اگر کاینه مستوفی الممالك سه و ط کد بهر از این است که نصرت الدولة بهش ذو کاینه او برده شود

سیر زاده شتی

و یا قوام السلطنه را در این جمعه های حبس اندی به بنر ولی هجرت آرزو نمی کنم که فرمانفرما را در آن صندوق های اسرار عدم زیارت نمایم :

چه که فرمانفرما تازه وقتی مرد چار پنج فرمانفرما برای آزار روح و هلاک استقلال این مملکت از خود یاد کار گذارده است ولی وثوق الدولة و قوام السلطنه خوشبختانه هیچ کدام اولاد جانشینی ندارند و هر روز مردند آرزو روز خوشبختی و جشن شهادت این مات چند بار فروخته شده است

آری فرمانفرما يك بلای بردناله است تازه وقتی مرد نصرت الدولة هست سالار لشکر هست شاید آنها هم وقتی اژدها شدند مانند پدرشان چندین انی بوجود بیاورند الحاصل پس فرمانفرما اژدها يك با آن چشمهای درشت سیاه که قسمت اعظم سیاه روزی مانده آنها است چند روز است شب و روز بسندای وزارت داخله خیره شده و اگر اندکی فکات

بمناسبت ۳ حوت

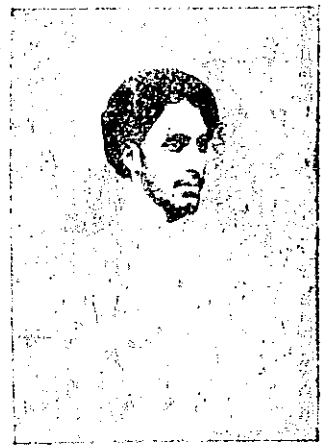


احساسات من

نعمت به سید ضیاء الدین

ایمان یگانه‌گی پیدایش نباتات و حیوانات بقیده برخی از فلاسفه آلمان و فکر دیباچه از ارواح فوق العاده کان و نقد بر آقای آقا سید شاه الدین

چو این منظومه آفاق سرزاسر منظم شد
روان فرمود از انوار انجم بر زمین روسی
بد آن روح محوی سایه از بر شو زدن
پس از تولید اجسام نباتی در بن دریا
چو اشک آسمانند او شد چشم زمین روشن
پس از تولید اجسام نباتی سر و جان زد
تجلی آورد در هر عضو هر کون جانور آخر
همین سان تا بحد جانور های دوبا آمد
کشد از چنگل و از غار بیرونشان بیکدیگر
سپس کرد ایشان در مفر هر پر مغز انسانی
بجواب دارپوش آمد بریشان شد خیالاتش
قرن در قرن دارا شد بدو قرین اسگندر
هم او در شده توشروان و نوشین شد روان او
سپس برد از حرم زد کردی حرمت شاهی
فناد اندر سر پر شور برخی چنگل و جان
چو ظاهر گشت و الله جل جلاله کشت از او ظاهر
چنان کان بل زجوانی بسلطانی مصمم شد
ز تائیدات وی بر همگان طوطی مقدم شد
ز هر جمعی که گفت از آن بخت بخت شکم شد
کون قرنی است از این که شده است این روح کین کونه
مرا از در اسباب از بعد آن که غیبش ایران
بی تجدید فیروزی نسل پاک ساسانی
مهرین سید ضیاء الدین طبعه صدر اعظم شد



شد و اندر شجاعت آن گزاف در مانده ششم شد
تاهام این طایب اجتماعی راجه و زمان بد
من از محلات ایران را چشم خویش میبدم
ملک محکم سزد قدر تو حکم رای را داند
توفیق احاطه ساقی توفیق الهامه کن بکسر
چون تازیانی ایران شد ز تاریخ توانی رخی
که می بیند است ایران را به نظم سازد ایرانی
به بین عشق که هر کایه را آخرین نمود اینک
این منظومه دارد زمان زمامداری آقا سید ضیاء الدین سرور و در همان اوان
چو این قرن بیستم بخور مننه کن منتشر میشد برای اینکه به خلق فرس نشود از
درج این منظومه در آن ایام خود داری هر دم دل اینکه که سید ضیاء الدین
فرستاده از طهران بود است با کمال میل به نشر آن ساد و ث جسته و نهایت علاقه
خود را نسبت به شای اعلان و این بگانه مدحی است که من بزبان قلب در محرم گفتم



در البشورای ملی

خلاصه ۲ حوت ۱۳۰۱

زیارت آقای مؤمن الملک جلسه تشکیل و صوت جلسه دوم قبل قرائت و بابی دو قسم اصلاح تصویب کردید بدو آقای دار منظم کردستانی ملکراف واصله استند با در ادبانی بر شکایت از مظلالم و تشذبات خد و یلما گری های آنان برض مجلس رساله و ضم نامه مختصری ارباب تربیتی هدایه آنان بیان کرده

آقای باون وزارت خارجه متقاضی کردند شهریه های مستخدمین وزارت خارجه جزو دستور شود

آقای شیخ اسداله مخالفت نموده و راجع به عدم ترخیص ترهین دستور جلسات مجلس اظهاراتی نمودند

آقای معاون اظهار داشتند که سابقا شهریه های مستخدمین وزارت خارجه جزو بودجه وزارت مالیه بود و بعد جزو بودجه خود وزارت خارجه گردید ولی شنبه و متن اعتبار الله مصوبه وزارت خارجه قبیده و

نصوب شده است و خود آقا شیخ اسداله در آت وقت عضو کمسیون بوده و مسبق هستند شاهزاده نصر الدوله در سبب اظهارات آقای معاون توضیحاتی دادند و بالاخره

بالوجه شهرین فکاهی جواب آقای شیخ اسداله را قلمرو برای دخول فروردین رای گرفته و تصویب شد

آقای شیخ اسداله سزایانی از آقای معاون نموده و جواب ایرادات ایشان باز گفتند

آقای آقا سید عبدالوهاب مقیده داشتند که ابتدا بایستی مجلسی از برای ان تهیه نمود و بعد تصویب کرد

آقایان دست غیب و حاج میرزا علی محمد و شیخ الاسلام مواظت نمودند

آقای محقق العلماء پیشنهاد نمودند که بقیه مذاکرات بشبه آتیه موکول گردد و اظهار مخالفت نمودند

ماده واحده بدین مضمون قرائت گردید که مجلس پرداخت ۴ و ۶۸۷۴ تومان

حقوق نقادین را به مستخدمین وزارت خارجه که در ماده ۶ مصریح شده از هذا لیه ۱۳۰۱ تصویب میباید و دارلدکان این

حقوق از اول حمل ۱۳۰۲ مشمول قانون استخدام خواهند بود پس از تبادل نظر آقایان مخالفین و موافقین و پیشنهاد آقای معاون دایر باضافه

مبلغ ۱۹۵ و ۳۲۸۷ تومان بر کسر حقوق صاحبان انظم پنج گانه که حقوق ایشان کسر شده ماده واحد پیشنهادی کمسیون را

با جزئی بنمیزی مجددا قرائت و باورقه اخذ رای شده و باقریت ۵۹ رای تصویب گردید

آقای منصور السلطنه تقاضا کردند تا قانون استخدام قضات بغوریت بگشیمه ان تصویب گردد و این موضوع اخذ رای نموده و تصویب شد

آقای اقبال السلطان تقاضا نمودند که لایحه تشکیل خزانه داری جزو دستور شود و آقای صدیق حضرت هم اظهارات ایشان را تایید و تقاضای فوریت ان را نمودند سپس اخذ رای نموده و تصویب گردید

آقای رئیس مذاکرات در تکلیفات قانون تشکیلات خزانه داری است

آقای شیخ الاسلام مواد انرا قرائت و نظریات خود را راجع به آن ها اظهار داشتند

آقایان محمد ولی میرزا و صدیق حضرت توضیحاتی داده و ماده اول قرائت گردید چون مخالفی نبود رای گرفته و تصویب شد

ماده دوم قرائت و آقایان حائری زاده و تدین با تفویض مقام خزانه داری بیک نفر آمریکائی مخالف بوده و مذا اترافی در اطراف این ایراد بعمل آمده بالاخره

بر حسب پیشنهاد آقای تدین ماده پیشنهادی کمسیون بر سه ماده و پنجاه و هفت فقرات عبارت از استخدام آمریکائی تا زمان تصدی

د کتر مجلسو باشد قرائت گردیده و در این وقت مجلس ختم شد

اخبار و حلقه

اوضاع جاریه

هیئت وزراء

قبل از ظهر پنجشنبه آقای رئیس الوزراء به هیئت نشریات آوردند و وزیر اعم متدرجا از وزارتخانه های خود آمده اجلاس تا نیم ساعت بطروب امتداد داشت

حقوق نظمه

بطوریکه اطلاع حاصل شده است حقوق اعضاء نظمه راروسای نظمه دریافت داشته اند ولی بواسطه کثرت مخارج خود خود شان بالغ نموده اند

ورود ویراک

آقای ظفر اسلام که چندی بود به لبنان مالیات تشریف برده بودند و زود شنبه کشته بر کرر ورود نمودند

اعزیه او اشکنان

بر حسب درخواست آقای علانی آقای مهدی الدوله رئیس قلمی کابینه وزارت خارجه به مستشاری سفارت دولت ایران در واشتنک منصوب گردیدند

حرکت

آقای میرزا علی اکبر خان آگاه رئیس خطا شوسه کرمان شاهن قووه نو که از اشخاص جدی وظیفه شناس وزارت فوائد عامه است چون چندی قبل برای انتیش خطه زندران بر کرر اخبار شده بودند پس از آن انجام ماموریت و تقدیم یک سلسله راپورت وزارت خانه صبح پنجشنبه ۳ حوت ظرف نوزون حرکت نمودند

صفحه ۱۴

میر زاده عشق

آنچه من دیدم در این قصر خراب

بد به بیداری خدا یا یا یا بخواب

باد شاهان را همه اندو هکین

دیدم اندر ما تم ایوان زمین

ننگ خود دارند مان اجداد مان

ای خدادید بکسر برس بر داد مان

و عده زر نشت را نقد و کن

دید عشق خراب و نو تعمیر کن

برده می اند و ایرت نام میبند

اغلاط اپرا

حال احداث ملک خود بین
مال اسارت ملک خود بین
کوان خسروان عالم گیت
کوان خسروان عالم گیت
آیه باده دهمی و دم می
آیه باده دهمی و دم می
از اشعار محراب و دنی مارا کشت می کشود هشت میبند کاین اغلاط را
تصحیح نمائید

اخطار اداری

تقاضای مخبر

نظر به و مناسب این جریده دولتی
مخبرداره آقایان که داوطلب برای مخبری
این اداره میباشند با تئیل شرایطی که در شماره
های قبل ذکر شده گواهی میباید بدارند و
درآمد نا با شرایط لازم اعتبار نامه مخبری
جهت ایشان از سال گردد

زمان پاورقی

اشخاص که در زمان های شهرین اخلاقی میباشند
که با تمام سوسنالیست موافق باشد جهت پاورقی
این جریده ارسال نماید درج آن میباید
شده و از این معافیت قدر دانی خواهند شد

اخبار خارجه

۲۲ فوریه ۱۹۲۳

(شورش دمافین)

مکوه - در بعضی از قطعات محال
لیدسک واقع در اراضی اهلستان دمافین
محلی که از نژاد بلوروس معتقد برهائی
ملاکین و مستخدمین دولتی و سربازان و
مهاجرین آلمانی ناآرامی شروع را مشتعل
ساختند دستجات شورشی استانی برای
مجازات شورشیان اعزام گردید یک قریه را
اتش زده و در شورشهای ابدان و جمع زیادی
را دستگیر و توقیف کردند

مهاجرت کارگران روسیه

پتسک ۱۶ - اخبار مشاهده میشود که
مهاجرت کارگران روسیه رو با افزایش گسترده
و علت آن تبعیضات و فشاری است که کارگران روسی
اهستان نسبت بکارگران معمول میدارد

(مهاجرین سیاسی)

نولان ۱۶ - در مجامع عمومی کارگران
و مستخدمین اعلا به تبعیت مهاجرین سیاسی
که از محاسن غرب روسیه وارد میشوند
جمع آوری میگردد

(بازار مکاره کیف)

کیف ۱۶ - حاله رابطه محکم بین
بازار مکاره کیف و ممالک خارجه برقرار
گردیده است و متجاوز از پنجاه تریه
تجارتی و ممالک خارجه در بازار مکاره
محلی برای خود تحصیل کرده اند

(در ناحیه رود)

لندن ۱۵ - وضعیت رود به سرعت
خراش میگردد و با بگرفت نسبت بفراسه با
وجود اعمال فساد و تضییقات ادامه دارد
نیزکی وضع که در رود مشهود میگردد
در جریانات پارسی نالایق خود را می
بخشد

(توقع مساعدات)

برلین ۱۵ - در گرفت مساعداتی بین

خلاصه مگاتیب عدیده از همدان

از قرار مگاتیب وارده حکومت همدان یواد ایام استبداد باره عملیات می
نماید برای اسفاد مشغول آذربایک - ما بین اسنات بوده محال در آموزشات
حقوقی با مهر (اجرایه حکومت) احضار میفرستند بهرهم انکار می نماید در
کابینه قوام السلطنه شروع باضیقات آزادیخواهان نموده بود و اهالی آنچه نظم
شکایت میکردند ابتدا ترغیب آفری داده نمیشد امید است آقای مشاوره الممالک
که عزم از قبول مقام ریاست وزرائی ایشان خوش حال هستند شکایت منظمین عطف توجه
نموده مقام دست قشاده کابینه ارتجاع را از سر اهالی همدان رفع وجهی واقربین
آرایش بفرمایند وضعیت سایر دوائر دولتی در شماره آینده مندرج خواهد بود

یکشنبه در تاتر

در طهران

۱ -

میل داریم قبل از شروع به تریف و
تشریح شب مذکور یک سؤال بنمایم :
برای چه اسم این بنا را (کراسنودل)
نهادند ؟

آیا مالک این عمارت فرانسویست ؟
با این شهر یکی از شهرهای فرانسه است ؟
یا اینکه اگر اسمی آینه شهرها و اشخاص
را فرانسه بگذاریم آن بنا معینر وان شهر
آبادوان اشخاص بزرگ میشود ؟

معارف هرمت و مملکت نمی میکنند
بقدر امکان لغات مال اجنبی را استعمال
نمایند .

در موقع اخبار تغییر میدهند و عین
آن گاه را استعمال نمیکنند مثلاً روسها
(پورتره) را پور تر و (سالت) را
بالتره میگویند .

ولی ما بعد از اجنبی پرست و بی تعصبیم
که گاهی لغات عرب را غارت کردیم و
گاهی کلمات ترک (هجوم) آوردیم گویا
اکنون اوبت فرانسه است .

باری خارج از موضوع اصلی ندیم
معمود بنده فطرت بوده نه غیره و در یکی
از جراید خواندم : امشب تباطر داده می
شود و مخصوصاً نوشته شده بود (سب خنده)
و مراحم که اوضاع نا آوار طهران ملول و
آزرد کرده بود مصمم شدم شیر آب را
مزبور بروم .

این اولین مرتبه بوده که من در طهران
بباطر میرفتم (

در سر ساعت معین حاضر شده بابطر
طریده داخل فطرت شدم

(۱) پرده سحر که در تمام عالم معمول
است دود بلند پرده دوی و پرده کدر
نقش ها انداخته میشود در اینجا پسگی
بیشتر نبود .

(۲) پرده روی که باید از زندگانی آن
کشور و ملت منقش باشد یک دریای بی
معنی و بی ربط بوده .

پایس و بیکاران ویداده
(در اطراف انفال رود)

لندن ۱۵ - روزنامه و - سبستر اظهارات
بولادو را که قشبه انفال رود هیچگونه
الایمی نخواهد داد به تشویق السانای برای
ایران مقاومت تمیز میکنند مطبوعات پاریس
عدم موفقیت قشبه رود را از انگلستان
میدانند

(روسه وایتوار)

کراکوف ۱۵ - امروز نماینده مختار جدید
روسه ساوئی رفیق اگر و اگر یک اعتبار نامه
خود را تسلیم داشت .

تجایع فرانسه ها

اتر ۱۱ - در ناحیه میدون فرانسه ها
فراء عماسی را اتش زده و اهالی صاحب
طلب را توقیف میکنند در جراید اتره
اسامی همدا ایاتیرا که اشغال کنندگان فرانسه
چشم الوار آتده اتره میکنند
مصادرات خونین

برلین ۱۵ - در گاسرک (واقع در روسی)
مصادرات خونینی بین کمونیست و پلیس
رویدادزار اگر و اگر است ها میخواستند مجلس
مشاوره شرکت کنندگان در جنگ را ملحق
سازند

(مصادره قرونیکی باندانده سپاه پستان)
مسکو ۱۷ - اخیراً شرح مصادره که
بین رفیق تروتسکوی (بال ماکوم) باندانده سپاه
پستان رویداده در جراید انتشار یافته است
در جواب سئوال ماکوم راجع باقدمات جاور
گیری و مبارزه بر علیه استفاده سپاه پستان
برای جنگ های امپریالیستی رفیق تروتسکی
اشعار داشت که استفاده این نژاد ها
بمانان قوای جنگی اشراف دنیا نقشه ایست
که سرمایه داران از روی مطالعه برای اطلاق
جلیش کارگری طرح کرده اند برای عقبه
کشاردن این نقشه لازم است که مبارزه
شدیدی برای از میان بردن تصورات موهوم
نژادی و تبعیضات مغرط وطنی که هنوز
در بین کارگران سپاه پستان وجود دارد
اروپا و آمریکا وجود دارد بعمل آید

(ایران)

طهران ۱۸ - روزنامه طوقان رویه کج
و مقابین خود را نسبت بر سر سپاه ساوئی
تجدید نموده است لیکن گمانیک از موفقیت
این روزنامه موافق بحران اخیر کابینه قوام السلطنه
اطلاع دادند این قشبه را ماشی از مقامات
و رضیاتی میدانند که در ایران هر روزنامه
باقتضای مدودی باید در آن مقامات
بمبارزه و کار کند - عافان دانند قرن بیستم

مدرسه نصرتیه
نظر به علاقه و امید واری که بتعالیم
و تربیت انسان داریم جنیدی قبل تحقیقاتی
از مدرسه نصرتیه واقع در خیابان اسمعیل
را از نو دیدیم و بحال مدبره معتزله اش
میلور قوت کردیم این پیچره قریب یازده
سال از مال خود خرج کرد و برای
نوع خود و احراز ای مقیاده ثابت
از حق ساقط شده و کسی با اومه اوقات
و مساعدت نموده حق وزارت معارف هم
نظر قدیر و همراهی را مقایسه کرده است
بناطور جدی مساعدت وزارت معارف را با ان
مؤسسه علیه جلب می نمایند اگر این
معمود و مدبره از میان بروند جای کمال
ناشده است منتظریم اقدام و ثابت بخش
ماجلی با ان مدرسه بشیر نمایند
خیلی از خاتمه رفت زاده بشکر می
گویم که در ان مدرسه مجا نا تدریس می
گردد و نمی گذارند منحل شود

رپورت از کباب

روز در قریه ریاب یک سفر سخی اسناد
همین باغچه سید میرزا علی قیام برادرزن
شورش را ضرب گارد مقتول و فرار می نمایند
از روز جنازه سید را بدوا الحکومه آورده
ازد قلمای محل اراک داده و برای دفن
در ریاب بردند

خوی

حسب الامر و نصیحه اولیای عظام که
تقریب شده بود دعوت بدعا و غارت و مجزوبه
شده انشالی اسمعیل آقا را زمین و مشخص
و مقامات عالیله پیشهاد شود جلد روز است
و می از مداریف اهالی انتخاب و کمپونی
کمال داده مشغول تحقیقات و تفتیش و روشن
سخت جامعی بوده امروز با تمام رسانیده
مطامین مالیه محل از سامان نزد امیر

صفحه ۱۵

اپورت

نمایش تمام آهنی

چچه کدا و دکتور نیکو کار

قرص از این نمایش جسم کرده استند های خوب ابرایش که در
تجیه نبودن تعلیم اجباری بعدی و حته بازی و رفتار سرف میشود و در
برده دوم نشان داده میشود که ممکن است استند های که در کارهای
زشت تر می کنند آنها را از این کارها باز گردانند و در کارهای
بناها تر می داد

اشخاص

فرماند کاشی
بچه کدا
نقاش
چال
پوه لان که شغلش کدای است
داش مشق

برده اول

سن در کوچه است برده بالا می رود قریب بالای باباس و عمامه شبر
شگری دیده میشود بچه کدائی بن شا نروده سالکی (خپلی فتنک)
در نزد او نشسته است

(۴) در بالای صفحه نقل از حضرت بود در حالیکه صورت اعلی حضرت با تباطر هیچ تناسبی ندارد.

من پیش از ورود تباطر با خود فکر میکردم: بقیاندر روی پرده سینه خرابه های تخت چشمه ساخته شده و بالای سینه که قافله آباد صورت و وجهه یکی از تباطر نویس میباشد و چون ما تباطر آنوسس اندیشیم، مجسمه چند نفر از استادان صنایع مستظرفه است از قبیل روی کی که دارای دو جنبه است شاعری و دوستی دانی و حکیم فردوسی و استاد اعظم الهاد نقاش مشهور قرن شانزدهم ایران.

خلاصه آنچه جای گرفتن و توجه افغانان حضار شد.

باوجود اینکه در راست و چپ و جلو و عقب نوشته و از دیوار آویخته بودند اسامی و خطاطات متنوع است هیچکس از اسامی و خطاطات خودداری نمیکرد و در پنداره و وارثان کرده بود که نفس غیرممکن بود نشانی با اکثریت از آن شوخی های این مژده بی فکر و بی موقع کدر کوچه ها - بازارها - قهوه خانه ها - مراکها سایر مجامع است این شهر را اول است می کردند و در و ما تخته می کشیدند.

غافل از شمر حضرت سعدی که میفرمایند خوردن برای زیستن و کار کردن است او معتقد گزینستن از بهر خوردن است من تعجب میکنم این ملت برای خوردن خلق شده در خیابان مینو رفت در کوچه میخورند در مسجد میخورند در میخانه میخورند و جرجها خاموش شد و پرده بالا رفت یک هرج و مرج روی نموده که مافوقش تصور نمیشود.

اشخاصی که عقب بودند و جای خوب نداشتند جاو دویده و صف کشیدند آن وقت عینی حالاد من زدند: افغانان بشنید جاویدا بشنید چه درد سر بدیم تباطر شد مثل همان مرا که اوطی غلام حسین و بلکه بر فرزند اوطی غلام حسین بایک طرز مخصوص مردم را می نشانند و فکر میپردازد ولی اینجا کسی نمیتواند آنست نگهداری ساکت بنماید عجب تر اینکه در انانی بازی در میآید سینه را اتصالا باز میکردند و روشنائی ماقم نمایش میداد.

حالا خوب است چندگاه نیز از بازی (تباطر) صحبت کنیم.

چون پرده بالا رفت بنده متوجه بازی شدم دیدم پانزده نفر طبعی مصنوعی است که به هر وجه جالب توجه نیست و اسلا اثری نمیزند غرض بنده این بود تباطر در فرنگیست در چه حال است.

هر سینه میدانم هیچ نتیجه ای ندارد جز اینکه یک عده اشخاص که گوش انداخته برای شنیدن سخن های راست اندازند و رنجیده و ملال میشوند.

رسم از آنکی

تباطر

قطعه

جواب قطعه دیگر در جریده قانون اثر طبع شاعر کیم نامی به نام جواب قطعه شماره گذشته ما درج شده بود

کفنی که زن نجیبه بایستد
آن زن که انجبه است با کسی
هر جا که رود نوبه باطن پاش
و آن زن که او را بر مکتب
نسا پای برون نهد ز خانه
هم عصمت خود دهد به رندان
آن به که زن او را خانه

در خانه نشسته بکسم خرو شد
از خانه بیرون نمی نخواست
در حفظ خود او نخواست
پند و سخن نو آن ایو شد
چون جمله سحر آهوان چه پوشد
هم آبروی نو را فروشد
نمی پند و سخن نو دل بنوشد

غزل

سر بر آبیاب بدخنی ما آماده کرد
میکشد این مردم آخر زانکه دست اجنبی
آن مدافع از حقوق الدوله اندر پادشاهان
الحق اندر دوره جرم حقوق و نجبر
چون توأم السلطه در مجلس شورا نشست
از گناه هرزه شد افزوده بلای وطن
شادباش آزاد خویش عاقبت کرده در

خون مارا آنکه اندر شیشه جای باده کرد
از خراسان انتخاب او را از آینه کرد
.....
حفظ در مجلس همین شهزاده آزاد کرد
ای به بازی کری باد و استحقاق داده کرد
.....
خون مارا آنکه اندر شیشه جای باده کرد
(عالم آزاد)

مریضخانه بلدیة

چند روز قبل بمساعدت یکی از دوستان محترم اتفاقا از کنار مریضخانه بلدیة (واقع در خارج دروازه باغ شاه) دیدم که وضعیت مرتب آن عوطه که از خارج در مشاهده میکردم بدین برای نشانی اینجا حسن کنجکای مرا تحریک کرد

بمساعت در راهدانی مناسب خود از دوازه رفیق آن مؤسسه جان پیمیش وارد راهرو حیاط وسیع آن گردیدم

در سمت چپ راهرو و بران و یک اتاق بسیار پاکیزه دیده میشد رسیدم این چه اتاقی است رفیق من گفت اتاقی مدیر است

فورا شیخ محترم را اورا جناب می گفتند با ادب و خوش رویی از آن اتاق برای ملاقات ما بیرون آمد سلام کرد و دست محبت بسوی ما دراز نمود قهقهه او حاکمی بود که بخواند از سالت و رو ما سوال کند اما مرا اسم ادب او را اجازه ندمید من قبل از سوال بجواب او مبادرت کرده گفتم آقای محترم میخواهم این مؤسسه ای را که از عواید مستقیم ملت و برادران عزیزم تأسیس و اداره شده است به تفصیلی دیده باشم

آن شخص موقر بدون تعال استدعای مرا پذیرفته برای راهنمایی در جلو حرکت کرد و بما گفت چه ضرر دارد و بفرمایید

اتفاقا وارد حیاط معنی یک باغ وسیعی که از طول آن یک نفر علو از حفت سبک آب عبور میکرد گردیدم

برای اظهار تشکر قلبی خود و قدر دانی اجازه میخواهم تاسیسات و پاکیزگی اینجا را بطور اجمال شرح دهم

سمت دست چپ در بنای غریبی اقبای اقباء رسیدیم باطابق ملاز و مات که آن اتاق تقریبا وسیع و عمیق بود از چندین توب قماش دوخته و در وسط سفید که با نهایت نظافت در سطح اطراف دیده بودند

ملازمه جنین جفت گشت نو و بسیاری از اقباء میخانه دیگر در گوشه اتاق بود و کشته از پرده و اوخته بودند و در خدمت هم در آن اتاق حاضر بودند از آنجا که در پیش خانم رسیدیم یک عوطه وسیع مسقف با اجاقهای خلی مراب و وضع پاکیزه برای طبخ غذاهای ناخوشها و یک اتاق بسیار خوب برای تقسیم کردن غذاها مشاهده شد چون موقع غذا خوردن ناخوشها بود جنین قسم ماکول ایکو شد کورنه - چلو - شیر برنج - فرنی و بعضی خوراک های دیگر در در بشقابها و کاسهای نظیف بتقسیمات یکفری کشیده و بر سرکوها گذاشته

بودند از هر یک از غذاها مقداری چشیدیم بسیار خوب طبخ شده بود از آنها برای معاینه ناخوشها و دیدن اطاق و تخت خواب و رخت خواب های آنها متوجه شدیم اولاً مرضی بمناسبت مرض بنریب ذیل تقسیم و مرتب شده بودند

امراض مسریه - امراض مزاجی - امراض جراحی - شصت و دو

مرضی را با لباسهای سفید پاکیزه با ترتیب و تقسیم بندی مراب که در شمال و جنوب وسط آن باغ ساخته اند هر یک نفر بالای یک تخت خواب خوابانیده بودند در تمام اطرافها رطابت کال فطانت و حفظ الصحه شده و در هر اتاق یک بخاری مینوخت بر ستار های سردانه و زفانه با نهایت دقت و مواظبت برای خدمت محرم مرضی ایستاده بودند از خود مرضی یک بیک احوال پرسیدم همه اظهار رضایت مادی کرده و با حال عجز برای سفادت ملت و مؤسین آن محل از نه قلب بی اختیار دعای نمودند از مها فده ایها هم متصرف شدیم حمام بسیار خوب برای شست و شو موجود بود دیدیم اتاقی معاینه - اتاق زخم - اتاق عمل - دواخانه و بعضی مؤسسات دیگر در نهایت نظافت و تنظیم تهیه و ترتیب شده بود من بقیه دارم مرضی هیچ یک از اعیان و اعیان بهتر از مرضی این مریضخانه معالج و پرستاری نمیشود عجب اینکه من کبان کردم این مرضی از متوسلین هستند زیرا ترتیب لباس مریضخانه آنها را به بیمار کی متصرف نمی کرد سوال کردم جواب عملی شدیم مرا آدر اطاقی آوردند که پرده از نور بهارها که بدو اربابا اوخته بودند در هر یک از آنها یک مشت آب من باره کثیف بود که جز سوزانیدن بکار دیگری نمیتوانست به کار آمد

لباسی عادی یکی از آن که بهر ورود از بدن آنها کشیده میشد و بعد از خوب شدن وقت خروج با آنها پس داده میشود و حفاظت کرده خارج شدیم اینک تمام روز احسانات یک چنین مؤسسه نافع را که حقیقتا عموم مردم در موقع شدت و احتیاج میتوانند ازان منتفع گردند تقدیر کرده و تمام قدر دانی و وسوسین و مدبران بایکدنیا علاقه مادی نبریک می گوئیم فی الواقع یککانه ناصحی باشکوهی که از حجت نامت و تکمیل میآورد از کلبه نواصی تاسیسات بلدیة را که کرده و مدیریت آن نواصی را از پیش کاه ملت میخواهد همین مؤسسه عالی خواهد بود

این مؤسسه از جهت ترتیب و نظافت بخوبی میآورد ثبوت و مستور رشد ملی ما واقع شده و در اثیه مارا بوجود اشخاص کافی و افکار جوان برای اصلاح کلبه دوازه دولتی امیدوار سازد این نکته را هم بآچار تذکر میدهم چون پیش از ۹۶ تخت خواب در مریضخانه مینو پر وجود نیست و بواسطه کثرت رجوع مرضی غالباً مایشین اینجا دچار زحمت شده و لایزال از عدم قبول زائد بر آن عده می گردد خوب است اولیای امور بدین مساعدت کرده و عده تخت خواب را بآچار بکشد یا لاقل تا ۸۰ عدد تکمیل نمایند زیرا اکثر مایشین و لوازم اینجا علیل است و بر ستار طبایخ و دواخانه و چراغ و امثال آنها برای صد یا هشتاد مرضی کافی است و فقط تخت خواب باید تهیه شود اگر این پیشاهاد انجام کرد و امیدواریم اعلای احیاء الدوله رئیس آن مریضخانه با خنجر تفاوت مصرفی باز آنجا را به همین ترتیب و تنظیم فعلی اداره کنند

سید محمد تقی بهبهانی

بواسطه تصادف روز طبع روزنامه با سوم حوت و تطبیع مطابع بجای جمعه شنبه منتشر شد مطابعه برادران باقرزاده

سنة ۱۶

فرماند - امروز که خوب حته سوار کردی امشب یو برات میفرم

بچه کدا - چشم اما

فرماند - اما چی

بچه کدا - با این هم زندگانی شد که من میکنم

فرماند - مگر چه میب دارد الا این پوست خریزه بهت خواهم داد

(فرماند این پوست خریزه از میان کپسه زیر پایی خود میبرون آورد و باو میداد)

بچه کدا - (با دست پوست خریزه را رد میگرداند) من پوست

خریزه نمیخواهم خود خریزه را هم میل ندارم بخورم تو این یکسال است

مرا بسم ای که جادوگری تو خواهم آموخت آورده و هنوز هیچ چیز یاد

نداده و همیشه میفرماید پوست خریزه مرا خوشحال کنی من دست از

خاوره و پدر و مادر کشیده ام و پیش تو آمده ام

فرماند - دهه من میده است تو باید این ریاضت ها را بکنی تا

جادوگری بیاموزی مگر شوخی است خودم براه ای که جادوگری بیاموزم

با تو این ریاضت ها را بکنم

بچه کدا - باشد اما من میترسم هفت کن بیوسانم و تو این کار را

بمن بیاموزی

فرماند - آئی بگرآم یکی آدم

(نقاش مسافر وارد میشود بچه کدا شروع بخواباندن)

بچه کدا - (با تمام) گدا می من گدا می من گدای بیوایم من

بسخنی میفرمایم من فغان از حال زار من بیگسم بستم به اندام

آقا آقا بول یک کف نان